

تیتراژهای امروز

افزایش انتقادات به اظهارات دستیار روحانی علیه ساختارهای حاکمیتی کشور در گفت و گو با یک رسانه آمریکایی

خانم مولاوردی! حقوق بخوانید

صفحه ۲

اعتراض ظریف به رفتار دوگانه توئیت

صفحه ۲

ناله بخش خصوصی نفت از وزارت نفت

صفحه ۱۶

نیروهای روسیه و چین خود را برای چه جنگی آماده می‌کنند؟

«واستوک ۲۰۱۸» پیام مستقیم به غرب

صفحه ۱۵

اعلام شرایط جدید پیش‌فروش ایران خودرو؛ خودرو دار و بی‌گواهینامه نمی‌تواند خودرو بخرد

لیست خریداران خودرو منتشر می‌شود

صفحه ۲

آزمایشگاه‌های مرگ آمریکا در قفقاز و شرق اروپا چه می‌کنند؟

خون‌های منجمد سوغاتی تفلیس

صفحه ۱۵

یادداشت‌میهمان

امضای آقای الویری پای قانون نظارت استصوابی

دکتر سیدمحمدحجت‌الله‌علم‌الهدی

در خبرها آمده بود آقای مرتضی الویری، رئیس شورای عالی استان‌ها ضمن مخالفت با لزوم نظارت استصوابی بر انتخابات شوراها، این نوع نظارت را مغایر روح قانون اساسی عنوان کرده است. ایشان در ضمن مصاحبه خود عنوان داشته است: «از قول من ذکر شده در مجلس اول در کمیسیون آیین‌نامه داخلی که من هم عضو آن کمیسیون بودم، نظارت استصوابی تصویب شده است، در حالی که اعلام می‌کنم اولاً من عضو کمیسیون آیین‌نامه داخلی مجلس اول نبودم و دوم اینکه چنین موضوعی مربوط به این کمیسیون نیست و به قانون انتخابات مربوط است که در مجلس دوره چهارم مطرح شد». در این باره چند نکته قابل ذکر است.

نظارت استصوابی اصطلاحی فقهی است که در برابر نظارت اطلاق به کار می‌رود. تقسیم‌بندی نظارت به «استصوابی» و «اطلاعی» بر مبنای حدود اختیارات ناظر است. در نظارت اطلاعی ناظر تنها اختیار کسب اطلاع از عملکرد مجری را داشته و امکان برخورد با تخلفات مجری و جلوگیری از آنها را ندارد. در این نوع نظارت، ناظر به محض اطلاع از تخلف مجری می‌تواند آن را به مراجع ذی‌صلاح ارجاع دهد تا توسط آنها مورد رسیدگی قرار گیرد. همچنین در نظارت اطلاعی، مجری می‌تواند به تشخیص خود عمل کرده و برای اتخاذ تصمیمات نیازی به کسب تایید ناظر ندارد. در مقابل، در نظارت استصوابی ناظر از اختیارات پیش‌تقریبی برخوردار است. در این نوع نظارت، تمام اقدامات و تصمیمات مجری باید با تایید ناظر باشد، لذا ناظر را سآ می‌تواند از تخلفات مجری جلوگیری به عمل آورد. نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات نیز بدین معناست که همه اقدامات مجری انتخابات یعنی وزارت کشور باید به تایید ناظر یعنی شورای نگهبان برسد و چنانچه هر یک از اقدامات و تصمیمات وزارت کشور مورد تایید شورای نگهبان نباشد، باید از انجام آن خودداری کند، البته این نظارت شورای نگهبان بر اساس ضوابط قانونی انجام می‌شود و در واقع شورای نگهبان بر اجرای قانون توسط وزارت کشور نظارت می‌کند و در مواردی که قانون رعایت نشده باشد، عملکرد مجری را تایید نمی‌کند.

ادامه در صفحه ۱۲

پرونده «وطن امروز» درباره مواضع و وعده‌های انتخاباتی اسحاق جهانگیری و تفاوت آن با واقعیت‌های اقتصادی این روزها

مردم یادتان هست؟!!



صفحه ۵

آزمون قانونمندی یا پیرسالاری!

صادق فرامرزی

که بر مبنای آن تلاش برای ارزشگذاری وضعیت فعلی و سابق شهر تهران صورت گرفته است. ۲- تصویب قانون «منع به‌کارگیری بازنشستگان»



بازنشستگان در ابتدای کار است. هاشمی که چندی پیش در بررسی عملکرد یکساله شورای پنجم با اشاره به تغییر دائمی سرپرست‌ها و شهرداران تهران آن را از مهم‌ترین نقطه‌ضعف‌های مدیریت فعلی دانسته بود، این بار در واکنش به اتفاقات رخ داده و سرنوشت نهایی افشانی سعی کرد با در برابر هم قرار دادن «مصلحت» و «قانون» دست خود را برای دور زدن آن باز بگذارد.

۳- موضع اخیر محسن هاشمی هر چند از جهاتی بیانگر این حقیقت است که تغییرات متعدد مدیریتی شهر تهران که حاصل انتخابات‌های ناسنجیده شورای پنجم بوده است، ضربات جبران‌ناپذیری را به وضعیت فعلی پایتخت وارد کرده است و تغییر مجدد شهردار تهران می‌تواند باز هم به مدت چند ماه دیگر روند مدیریتی تهران و پیگیری پروژه‌های آن را به تعویق بیندازد و عمده انرژی شهر را صرف یک سال گذشته ۲ سرپرست و ۲ شهردار برای پایتخت انتخاب کرده بود باید باز هم درگیر انتخاب گزینه‌های جدید برای مدیریت شهری تهران شود. اما آنچه در این میان بیش از همه غافلگیرکننده

به نظر آمد سخنان عجیب محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران بود که پس از ماه‌ها موضع‌گیری مبهم و حواله دادن سرنوشت تهران به تصمیم نهایی مجلس و «قانون»، با اعلام اینکه «شهر تهران این ظرفیت را ندارد که مدام تغییر مدیریت

و آینده یک پدیده می‌شود. پایین آوردن شأن اجرایی قانون با پیش کشیدن وضعیتی که ناشی از تصمیمات غلط گذشته بوده است، هر چند می‌تواند از هزینه پذیرش اشتباه مر تکبان در فضای عمومی نهایی خود محروم می‌کند و باعث نقض‌های مکرر آن جهت مصادیق متعدد می‌شود.

۴- تجربه شورای اول شهر تهران که آن هم با وضعیتی مشابه شورای پنجم دارای ترکیبی یکدمت اصلاح‌طلب بود و سرانجام پس از عزل و نصب‌های متعدد شهرداران پایتخت به انحلال و تعطیلی کشیده شد باعث روند تغییرات زنجیره‌ای مدیریت شهر تهران و عمر چندماهه شهرداران پایتخت تبدیل به تلنگری برای اعضا جهت عدم تکرار آن تجربه شد، تلنگری که البته بیجا نبوده است و روند رکوردشکنی شورای پنجم در عدم ثبات مدیریتی شهر تهران باعث آن شده است تا از جهاتی این شورا را سفیدکننده روی شورای اول بدانیم.

با قبول وضعیت فعلی و این مساله که تغییر مجدد شهردار تهران رکود مدیریتی پایتخت را بیش از پیش تقویت خواهد کرد اما ایستادن شورای شهر در برابر محدودیت قانونی ایجاد شده برای بازنشستگان فاقد مشروعیت است، چرا که این شورا با داشتن تجربه ناکام انتخاب مدیری بازنشسته مدیریت تامام و چندماهه او به علت بیماری باز هم دست به دامان انتخاب مدیری شد که در زمره «پیرمرد»‌های مدیریتی کشور می‌گنجد.

شورای پنجم هنوز هم فرصت محکوم نشدن به سرنوشت شورای اول را دارد اما این فرصت نه با عبور از «قانونگرایی» و تضعیف قانون و نه با انداختن بار مسؤلیت انتخاب خود بر دوش سیاستی کلان جهت عبور از «پیرسالاری» دولتی به دست نمی‌آید؛ آنچه می‌تواند راهگشا و منجی این شورا در وضعیت فعلی باشد عبور از رویکرد سهم‌خواهانه در انتخاب مدیران و جایگزینی جوانگرایی به جای «پیرسالاری» حاکم بر مدیریت شهری است. آزمون امروز شورا انتخاب از میان دوگانه کاذب قانون- مصلحت نیست که عبور یا ماندن در مدیریت «پیرسالارانه»‌ای است که به حسب معادلات جناحی انتخاب می‌شود.

در شبکه‌های اجتماعی

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱

@vatanemrooz

نگاه‌امروز

۱- انتخاب یک شهردار مناسب برای تهران به‌عنوان اولیه‌ترین و مهم‌ترین کار ویژه شورای شهر تبدیل به پاشنه آشیلی شده که با گذشت یک سال از آغاز به کار شورای پنجم هنوز محقق نشده است. پیدا کردن گزینه‌ای برای شهرداری تهران که توأم با داشتن ویژگی‌های حداقلی برای مدیریت شهر تهران و کسب رضایت مردمی که ۱۲ سال به مدیریت شهری سابق عادت کرده بودند، توانایی تبدیل شدن به نمادی از کارآمدی سیاسی برای اصلاح‌طلبان را داشته باشد حکایت محالی مطلوب را برای این شورا پیدا کرده است که هر قدر برای رسیدن به آن تلاش بیشتری می‌شود دستاورد کمتری به دست می‌آید. انتخاب پرسروصدای «محمدعلی نجفی» و در نهایت استعفای او تنها چند ماه پس از قبول مسؤلیت شهرداری تهران اعضای این شورا را بر آن داشت تا در میان جنگ زرگری طیف‌های مختلف اصلاح‌طلب با انتخاب یک گزینه بی‌حاشیه، کمتر شناخته شده و صلابت‌بازنشسته فضا را برای عدم تکرار تجربه ناموفق شهردار اول منتخب این شورا و همچنین تجربه کلی شورای اول شهر تهران فراهم کند. نجفی که عمر کوتا‌مدت مدیریت خود را صرف تنها چند مصاحبه و ادعای تکذیب‌شده در باب مدیریت سابق کرد تلاش داشت با جا انداختن کلمه «قانون» به‌عنوان نماد مدیریت جدید و معرفی مدیریت سابق ذیل «بی‌قانونی» تمایز اصلی مدیریت سابق و فعلی را در این چارچوب توصیف کند؛ پایان دوره نجفی و آغاز مدیریت افشانی بر شهرداری تهران هر چند با فضای سیاست‌زده کمتری پیگیری شد اما برخوردها و مواضع اعضای شورای شهر گویای آن بود که عزم آنان بر زنده نگه داشتن دوگانه قانون-بی‌قانونی در توصیف عملکرد فعلی و سابق شهر تهران وجود دارد و بارها نیز با پیش کشیدن این دوگانه سعی داشتند وضعیت را به این شکل تفسیر کنند که اگر ضعف عملکردی مدیریت جدید نسبت به مدیریت سابق چشمگیر و غیرقابل کتمان است، نتیجه قانونی عمل کردن مدیریت جدید بوده است!

مجموعاً با ایسن مقدمه و فضای کلی موضع‌گیری‌های تیم جدید شهری تهران می‌توان «قانونگرایی» را یکی از مهم‌ترین شعارهایی دانست



یادداشت امروز

جهانگیری، سیف معاونان و شرکا

امید رامز

یکی از جوهری که در قانون اساسی مشهود است، لزوم پاسخگویی رئیس‌جمهور، مجموعه هیأت وزیران یا هر یک از اعضای این هیأت در برابر مجلس شورای اسلامی به عنوان نمایندگان ملت است. برای این منظور قانون اساسی ۴ ابزار برای نمایندگان مجلس در نظر گرفته است:

یک- تذکر: آیین‌نامه داخلی مجلس ذیل اصل ۸۸ قانون اساسی، حق تذکر کتبی به رئیس‌جمهور یا هر یک از وزرا درباره وظایف و عملکرد آنان را محفوظ نگه داشته است.

دو- سؤال: طبق اصل ۸۸ قانون اساسی، نمایندگان مجلس به شرطی که تعداد آنها به حداقل یک‌چهارم کل نمایندگان برسد، می‌توانند از رئیس‌جمهور یا هر یک از وزرای هیأت دولت درباره وظایف و عملکرد آنان سؤال کنند و آنان نیز موظفند در مجلس حاضر شده و به نمایندگان پاسخ دهند.

سه- استیضاح: طبق اصل ۸۹ قانون اساسی نیز نمایندگان مجلس شورای اسلامی به شرطی که تعداد آنها حداقل ۱۰ نفر باشند، می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیأت وزیران یا هر یک از اعضای آن را استیضاح کنند و هیأت وزیران یا وزیر مربوط نیز موظف است ظرف مدت ۱۰ روز پس از طرح استیضاح، در مجلس حاضر شده و پس از پاسخ، اعتماد نمایندگان مجلس را جلب کند.

چهار- تحقیق و تفحص: طبق اصل ۷۶ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد

اما اگر چه طبق اصل ۷۶، استفاده از عبارتی «تمام امور» دست مجلس را برای نظارت بر عملکرد تمام نهادهای دولتی و غیردولتی بازگذاشته ولی توجه بیشتر به سایر وجوه اختیارات مجلس در نظارت بر عملکرد هیأت دولت، مخصوصاً ابزار «سؤال» و «استیضاح» و محدود کردن حوزه‌های نظارتی به ریاست جمهوری و هیأت وزیران، به جای کل هیأت دولت (اعم از معاونت‌ها و سایر منصوبان مستقیم رئیس‌جمهور)، موجب شده بعضاً قسمت‌های تاریکی از دولت از شعاع روشنایی نوافکن مجلس دور بمانند و ریزر ذره‌بین نظارت مجلس قرار نگیرند، زیرا همانطور که در سطور فوق به آن اشاره شد، در اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی، صرفاً سؤال و استیضاح از رئیس‌جمهور و وزیران مجاز شمرده شده و نمایندگان نمی‌توانند از روسای سازمان‌های دولتی و معاونان رئیس‌جمهور سؤال کنند و توضیح‌بخواهند.

نگاهی به لیست اعضای هیأت دولت نشان می‌دهد تا کل اعضای این هیأت که تقریباً شامل ۳۳ نفر می‌شوند، فقط ۱۸ نفر وزیر هستند که برای انتصاب یا ادامه فعالیت خود نیاز به تایید مجلس و جلب اعتماد نمایندگان دارند و در واقع مجلس می‌تواند عملکرد آنها را زیر ذره‌بین قرار دهد. حداقل ۱۵ نفر از دیگر اعضای هیأت دولت که منصوبان مستقیم رئیس‌جمهور هستند، در قبال تصمیمات و عملکرد خود پاسخگو نیستند.

اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور، لعیا جنیدی معاون حقوقی رئیس‌جمهور، نهاداندان معاون اقتصادی رئیس‌جمهور، مسعود تیلی دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور اقتصادی، سیف و همتی روسای پیشین و فعلی بانک مرکزی، نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه، انصاری رئیس سازمان امور اداری و استخدامی، ستاری معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور، معصومه ابتکار معاون زنان و خانواده، صالحی معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی، کلاتری رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست و مولاوردی دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور شهروندی از جمله مهم‌ترین همکاران و معاونان و منصوبان رئیس‌جمهور هستند که تبعات سهم‌خواهانه در انتخاب مدیران و جایگزینی جوانگرایی به جای «پیرسالاری» حاکم بر مدیریت شهری است. آزمون امروز شورا انتخاب از میان دوگانه کاذب قانون- مصلحت نیست که عبور یا ماندن در مدیریت «پیرسالارانه»‌ای است که به حسب معادلات جناحی انتخاب می‌شود.

در حالی که وزیر اقتصاد به عنوان مسؤول سیاست‌گذاری مالی دولت استیضاح می‌شود ولی سیف به عنوان مسؤول سیاست‌گذاری پولی کشور که اصلی‌ترین مأموریت او حفظ ارزش پول کشور بوده است ...

ادامه در صفحه ۱۲